



جمعه 3 آذر 1396 - 4 ربیع الاول 1439 - 23 نوامبر 2017

آغاز انتشار روزنامه "مجلس" در تهران (1285 ش)

آغاز انتشار روزنامه "مجلس" در تهران (1285 ش)

پس از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی و ازدیاد قدرت روحانیت، از طرف مظفرالدین شاه قاجار، فرمانی مبنی بر تأسیس و انتشار روزنامه [رلم](#)؛ ای به نام مجلس صادر شد. در این میان صریحاً امر داده شده بود که دولت حق سانسور مندرجات روزنامه را ندارد. این روزنامه یکی از روزنامه‌های معتبر و پرمطلب دوران مشروطیت به شمار می‌رود. روزنامه مجلس که به صورت خبری، سیاسی و اجتماعی، در هشت صفحه با چاپ سری، هفته‌ای [رلم](#)؛ چهار شماره منتشر می‌شد، علاوه بر درج اخبار داخلی و خارجی، کلیه مذاکرات مجلس شورای ملی ایران را منعکس می‌کرد. سردبیری این روزنامه برعهده ادیب الممالک [فراهانی](#) از ادبا، شعرا و نویسندگان مشهور آن زمان بود.

وفات حضرت سکینه بنت الحسین (ع) (117 ق)

حضرت سکینه بنت الحسین (ع) از زنان بزرگ اسلام و نواده [رلم](#)؛ امام علی (ع)، در حدود سال 42 هجری قمری در مدینه به دنیا آمد. آن حضرت دارای اخلاقی فاضله، صفاتی حمیده، بلاغت، فصاحت و جود و گرم بود. آستان بیان، مرجع ادبا و فضلا و شعراء و ارباب کمال بود و در شعر و ادب مهارت داشت. او همسر عبدالله بن حسن (ع) پسر عموی خود بود و از مادری با نام رباب به دنیا آمد. آن حضرت به همراه پدر، عموها و دیگر اعضای خانواده از مدینه راهی کربلا شد و در نوزده سالگی پدر و بستگان را از دست داد و رنج اسارت کشید. از آن پس راهی مدینه شد تا سرانجام در 75 سالگی در مدینه وفات یافت.

افتتاح مدرسه [رلم](#)؛ "دارالفنون" به همت امیرکبیر در زمان "ناصرالدین شاه" (1268 ق)

دارالفنون اولین دانشگاه ایرانی به سبک نوین بود که در زمان پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار و به همت و پشتکار میرزا تقی خان امیرکبیر صدراعظم بادرایت وی دایر شد. هدف از ایجاد این مدرسه، دستیابی به صنایع و علوم جدید در آن عصر بود. فعالیت علمی مدرسه [رلم](#)؛ دارالفنون، در آغاز در رشته‌های پیاده نظام، سواره نظام و سایر رشته‌های نظامی، طب و جراحی، معدن [رلم](#)؛ شناسی و داروسازی بود. مدرسه [رلم](#)؛ دارالفنون در ابتدا با هفت نفر معلم اتریشی و عده [رلم](#)؛ ای مترجم، کار خود را آغاز کرد. امیرکبیر تأکید زیادی بر عدم به کارگیری اساتید از روسیه و انگلستان داشت. اما متأسفانه چنین نشد. شاگردانی که در آن پذیرفته می‌شدند از خانواده‌های اعیان و اشراف بودند و چهارده تا شانزده سال داشتند. این مدرسه طی فعالیت خود، 12 دوره فارغ التحصیل داشت که بسیاری از آنان به مقام [رلم](#)؛ های بالایی در کشور دست یافتند. دارالفنون با معلمین اروپایی آن، عامل بسیار مؤثری در شناساندن تمدن اروپا و فرهنگ جدید مغرب زمین بود. فارغ التحصیلان آن که ظرف چهار سال از 1100 نفر تجاوز کردند و اغلب از خانواده‌های مهم و منتقد بودند، در نشر این فرهنگ کوشیدند و مطالبی که در آن مدرسه فرا گرفته بودند، در جامعه [رلم](#)؛ خود انتشار دادند. بعدها با تفکیک رشته‌های نظامی و طب در دارالفنون و تجدید نظر در نظام آموزشی ایران، این مرکز علمی از قالب یک دانشگاه خارج و به مدرسه مبدل شد. تأسیس این مدرسه، نقطه [رلم](#)؛ عطفی در تاریخ آموزش در ایران به شمار می‌رود. این مدرسه در حالی افتتاح می‌شد که بانی اصلی آن

یعنی امینی

تولد "باروخ اسپینوزا" فیلسوف شهیر هلندی (1632م)

باروخ اسپینوزا، فیلسوف معروف هلندی، در 24 نوامبر 1632م در آمستردام هلند، در خانواده [رلم](#)؛ ای یهودی و ثروت مند به دنیا آمد. وی در ابتدا علوم عالی و زبان [رلم](#)؛ های قدیمی مانند عبری را فرا گرفت و در سیاست و نقد آیین یهود، مهارتی تام یافت. اسپینوزا پس از چندی به دین یهود بی‌علاقه شد و به همین دلیل مورد نفرت و دشمنی یهودیان قرار گرفت. از این رو نام خود را به یندیت تغییر داد و با کناره [رلم](#)؛ گیری از همه ادیان، گوشه [رلم](#)؛ گیری و انزوا اختیار نمود. او زندگی خود را در تفکر و تعمق و مطالعه و تالیف گذراند و از راه صیقل دادن شیشه جهت ساخت ذره [رلم](#)؛ بین، امرار معاش می‌کرد. اسپینوزا طریقه و فلسفه مخصوص به خود را دارد و افکار فلسفی [رلم](#)؛ اش نزدیک به افکار صوفیه است. او از تفحص درباره خداوند به این نتیجه رسید که خداوند در همه چیز جاری و ساری است و همه چیز در خداوند است. او عقلمی است که عالم را می‌آفریند و عالمی است که به وسیله آن، عقل آفریده می‌شود. هم عاقل است و هم معقول. به عقیده اسپینوزا خدا وجدان و شعور صرف است نه ناظری در آسمان. اراده خدا، قانون طبیعت است و ما مخلوق مقتضیات و ثمره محیط خویش هستیم. در فلسفه اسپینوزا، هر انسان جزئی از خدا و جزئی از یک واحد الهی است. او معتقد است که غرض از حیات آن است که آدمی از راه خوش [رلم](#)؛ بخت ساختن دیگران بر خوش [رلم](#)؛ بختی خود بیفزاید. اسپینوزا در زندگی خود دو رساله منتشر کرد که یکی درباره فلسفه

دکارت و دیگری رساله الهیات که در آن، عقاید خود را در تفسیر تورات و ترتیب زندگانی اجتماعی مردم بیان کرده است. اما چون این کتاب با تعلیمات علمای یهود سازگار نبود سر و صدایی به پا نمود و از این جهت، دیگر اثری را منتشر نکرد. با این حال کتاب اخلاق او، پس از مرگش منتشر شد که مجموعه اصول فلسفی آثار او به شمار می‌رود. باروخ سراجام در 21 فوریه 1677م، در 45 سالگی بر اثر ابتلاء به بیماری سل، در لاهه درگذشت. کبیر دوران تبعید در کاشان را سپری می‌کرد.